

نافع سیاه چرده ، نیکو روی ، خوش خلق و شوخ طبع بود . کان اسود شدید السواد . نافع چون لب بسخن میگشود بوی مشک از دهانش بهشامها میرسید . یکی از اصحابش از او پرسید .

ای ابورویم ! هنگامیکه میخواهی بقرائت بنشینی عطر بخود میزنی ؛ گفت : من هیچگاه بعطر نزدیک نمیشوم و دست بعطر نمیزنم ، ولی رسول خدای را در خواب دیدم که در دهان من قرائت میکند و از آن گاه این بوی خوش از دهانم استشمام میشود .

نافع کتاب کریم را بر هفتاد تن از مردان نامی تابعین قرائت کرد که از ایشانند ابو جعفر یزید بن قعقاع المقری و ابن شهاب الزهری و عبدالرحمان بن هرمز الاعرج و ابو میمون مولا ام السلمه جفت پیغمبر و شیبه بن نصاب .

نافع قرائت را از یزید بن القعقاع و عبد الرحمن بن هرمز و شیبه بن نصاب و مسلم بن هندب و یزید بن رومان فرا گرفته است . و این پنج تن از عبدالله بن عباس و ابن ابی ربیع گرفته اند . و آن دو از ابی بن کعب و ابی از رسول خدای .

قرائت کرد بر نافع امام مالک بن انس امام دارالهیجره پیغمبر . روایت کرده اند از نافع عرضاً و سماعاً ، بیست تن از رجال مدینه . قالون گفت : خلق نافع پاکیزه ترین خلقها و قرائتش نیکو ترین قرائتها و او مردی زاهد و متعبد و بخشنده بود

هفتاد سال در مسجد پیغمبر نماز گذاشت . *روزگزار* *مطالعات فرهنگی* *رساله جامع علوم انسانی*
لیث بن سعد میگفت : در بافتن مردمان مدینه را و ایشان میگفتند « قرائت نافع سنت است » .

نافع محدثی نفع بوده ، روایت حدیث کرده است از فاطمه دخت علی بن ابی طالب و یزید بن اسلم و ابوالزناد و عباس بن عبدالله بن الزبیر و محمد بن یحیی بن حسان و نافع مولی عبدالله بن عمر و صفوان بن سلیم و دیگران . روایت کرده اند از او اسمعی و دیگران . نسائی و ابن معین نافع را توثیق کرده اند . ابن حسان از او در تفات نام برده است .

نافع درگذشت بسال ۱۶۹ با ۱۶۷ هجری ، در مدینه طیبه ، در روزگار

ولایت هادی. پسران نافع در دم واپسینش باو گفتند ما را وصیتی کن، نافع فرمود
 انقلوا لله واصلحو اذات بینکم واطیعوا الله ورسوله ان کنتم مؤمنین .
 قرائت نافع را روایت کرده اند ورش و قالون .

ورش

ابو سعید عثمان بن سعید بن عمرو بن سلیمان بن ابراهیم المصری القفطی -
 المقرئ . در نام نیاگانش خلاف کرده گفته اند : عثمان بن سعید بن عبدالله ، عثمان
 بن سعید بن عیسی بن غزوان بن داود بن سابق ، عثمان بن سعید بن عبدالله بن
 عمر بن سلیمان بن ابراهیم القرشی مولی لال زبیر بن العوام . - فقط شهرچه ایست
 در سعید مصر .

عثمان بن سعید مصری معروف بورش است . در کنیه اش خلاف کرده اند . ابو
 سعید ابوالقاسم ، و ابو عمر گفته اند . ولی اشهر ابوسعید است .

ورش بسال ۱۱۰ هجری ، در روزگار ولایت هشام بن عبدالملک بجهان آمد
 وورش شیخ القراء المحققین و امام اهل الاداء والمرتلین بود و مسلم گشت بر
 او ریاست اقراء در کشور مصر .

ورش اصلش از قیروان بوده و گفته شده است از ناحیه افریقیه .

رواسی میگفت . وورش در آغاز چندگاهی کله فروش بود پس از آن گرامید
 بفرا گرفتن قرآن مجید و آموختن عربیت و ماهر گشت در آن دو علم . و آنکاه
 راه مدینه منوره را پیش گرفت برای قرائت کردن بر نافع بن عبدالرحمان .

ورش رحلت کرد از مصر بهحجاز بسوی نافع و عرضه داشت کتاب کریم را بر
 او چندین دوره . خودش میگوید : چون بمدینه طیبه در آمدم ، که قراءت کنم بر
 نافع ، دیدم از بسیاری ابناء مهاجران و انصار نمیتوان بر او قرائت کرد ، و هر يك
 سی آیه میخواندند . توسل جستیم به بزرگ جعفریان که شیخ جلیلی بود و نزد نافع
 قدر و منزلتی داشت . او مرا بخانه نافع برده و گفت ابن مرد از مصر بهحجاز آمده
 است که بر تو قرائت کند برای گزاردن حج نیامده ، تجارتی هم ندارد ، مخصوصاً

برای قرائت آمده است. نافع گفت: نمی بینی ازدحام اولاد مهاجران و انصار را بر من؟ جعفری گفت: چاره می برایش بیاندیش. نافع از من پرسید: میتوانی شب رادر مسجد بخوابی؟ گفتم: آری، من غریبم و جامی ندارم شب را در مسجد رسول خدای خوابیدم، سپیده دم مردم ریختند بمسجد، همینکه نافع آمد و نشست پرسید جوان غریب چه شد؟ گفتم: رحمة الله، اینجا هستم. پرسید: آیا در مسجد خوابیدی؟ گفتم: آری. گفت: پس تو سزاوار تری بقرائت، من خوش آواز و در قرائت مداد بودم، آغاز کردم و پرساخت آهنگ آوازم مسجد پیغمبر را. چون سی آیه خواندم با دست بمن اشاره کرد که بس کن. جوانی از میان قرائت آموزان بیای خاست و گفت: ای استاد! اعزك الله، ما با تو هستیم و این مرد غریب است، از سر زمین دوری بسوی تو آمده، من ده آیه از بخش خود بار میدهم و به بیست آیه اقتصار میکنم - و او یسر بزرگ مهاجران بود - نافع بمن فرمود بخوان ده آیه دیگر قرائت کردم. جوان دیگری از حلقه بیای خاسته ده آیه از بخش خود بدن داد - و او یسر بزرگ انصار بود - نافع فرمود بخوان. خواندم تا پنجاه آیه. و هر روز دو تن از بخش خود بمن میدادند و پنجاه آیه بر نافع قرائت میکردم تا اینکه چند ختم قرآن برو کردم.

نافع بن عبدالرحمان عثمان بن سعید را ورشان لقب داد، زیرا که بایستی بالایش جامه های کوتاه می پوشید و چون تمام میرفت ساق پایش با اختلاف رنگهایی که داشت نمایان بود گفته اند: ورشان نامیده شد از اینکه لاغر و کم خوراك بود. گفته اند ورش خوراکی است که از شیر میسازند و او برای سفیدیش ملقب بورش گردید. پیوسته نافع میگفتش: بخوان ای ورشان، کجاست ورشان؟ بیار، ای ورشان. رفته رفته الف و نون را افکنده ورش گفتند. ورشان پرنده می بیابانی است مانند کبوتر، و این لقب روی عثمان بن سعید ماند، چنانکه شناخته نمیشد مگر بآن. و خودش این لقب را دوست میداشت و میگفت: استادم مرا بآن نامیده است.

رسید بورش رباست عالیة اقرآء در کشور مصر. ورش را اختیار بست در قرائت که خلاف کرده است در آن با نافع.

عرضه کردند بر، ورش کتاب کریم را احمد بن صالح و داود ابن ابی طیبیه و ابو الربیع سلیمان بن داود المهری و عامر بن سعید الاشعث الجرشى و عبد الصمد بن عبد الرحمان بن القاسم و محمد بن عبد الاعلی و ابو یعقوب الازرق . ابو یعقوب یوسف بن عمر بن یسار المدنی ، ثم المضری ، صاحب ورش ، در روزگار خود مقری کشور مصر بود. لازم ورشاً مدة طويلة و اتقن عنه الاداء و خلفه فی الاقراء و افرد عنه بتغلیظ الامات و ترقیق الراآت .

در گذشت ورش بسال ۱۹۷ هجری در فسطاط . در روزگار ولایت مأمون هشتاد و هفت سال در جهان زیست .

قالون

ابو موسی عیسی بن مینا بن وردان بن عیسی بن عبد الصمد عمرو بن عبدالله المدنی الرزقی - و يقال امری - مولی بنی زهره المعروف بقالون قاری المدینه و نحوها . عیسی بن مینا مدنی معروف بقالون در سال ۱۲۰ هجری ، در روزگار ولایت هشام بن عبد الملك ، بجهان آمد . او مولای انصار و اصلش از روم بود . نیای نیایش عبدالله را در روزگار ولایت عمر بن الخطاب باسیری بمدینه آورده فروختند یکی از انصار خرید و آزادش کرد . گفته اند قالون مولای محمد بن محمد بن فیروز بود .

قالون قاری و نحوی مدینه طیبیه بود . قرائت کرد کتاب عزیز را بر نافع بن ابی نعیم بسال ۱۵۰ هجری ، گفته اند قالون ریب نافع بود و بوی اختصاص بسیار داشت نافع او را قالون نامید برای جودتش در قرائت ، چه قالون بلغت رومی نیکوست . خودش میگوید : چون من بر نافع قرائت میکردم سی آیه بر من میسر آمد آنگاه میگفت : «قالون، قالون» یعنی جید بالرومیة . قالون کر بود ، چنان کری که بانك بوق را هم نمیشنید ولی چون قاری می بر او قرائت میکرد می شنید . ابن حاتم گفت : خطا و لحن ایشانرا از لبانشان در می یافت .

قالون در گذشت در مدینه بسال ۲۲۶ هجری ، در آغاز ولایت معتصم . در سال مرگش خلافت کرده اند . دانی میگوید : قالون در گذشت بمدینه پیش از عبدالله مأمون